شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه
سال هفدهم
۲۳ تیر ۱۴۰۴
۱۸ محرم ۱۴۴۷
شماره ۴۵۳۰

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز شهرداری مشهد
مدیرمسئول سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی ۵-۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا	۱۷ %	۲۳ ↓	۳۳ ↑
صبح	۲۹	ظهر	۳۳
عصر	۲۸	شب	۲۶

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۳۷:۲۸	نیمه شب شرعی	۲۲:۴۵:۲۰
غروب آفتاب	۱۸:۴۹:۴۲	اذان صبح فردا	۰۲:۴۱:۵۸
اذان مغرب	۱۹:۱۰:۳۶	طلوع آفتاب فردا	۰۴:۲۵:۵۵

کارتون شهر

عاقبت اسرائیل پس از حمله به ایران

مسعود شجاعی‌طباطبایی

بازتاب

چند روز است که خبر قهرمانی رومینا سالک دختر بیست ساله کشورمان خبر ساز شده است. او موفق شده است با شکست دادن قهرمان جهان در مسابقات جهانی اسکیت ایتالیا مدال طلا را از آن خود کند. اتفاق جالب اما پستی است که دختر قهرمان ایران در اینستاگرامش گذاشته است. پستی که ۲ میلیون لایک خورده و ده‌ها برابر این عدد بازدید داشته است. به جرئت می‌توان گفت اتفاقی نادر در ورزش ایران به حساب می‌آید و از طرفی صدای پس‌زمینه ویدئوی رومینا هم درخور توجه است. او یک مداحی در مدح حضرت عباس(ع) روی ویدئوی درخشش گذاشته است تا به جهان مخابره کند برای این پیروزی بزرگ یا ابوالفضل(ع) گفته است.

اول شخص

برای سرلشکر محمد سعید ایزدی معروف به «حاج رمضان» که به دست رژیم صهیونیستی به شهادت رسید

سنگربانی مقاومت در سکوت

مریم شیعه| بارها در کمین او می‌نشینند؛ نه یک‌بار، نه دوبار، بلکه سه‌بار، هربار هم تروریست‌ها حساب‌شده‌تر و دقیق‌تر از قبل به سراغش می‌آیند. هربار مخرب‌تر و هر بار با سلاح‌هایی سنگین‌تر. بااین‌همه هر سه‌بار، مرگ دست خالی بازمی‌گردد. همه او را با نام «حاج رمضان» می‌شناسند. اسرائیل به خون او تشنه است. سال‌ها تلاش می‌کند و برنامه می‌ریزد تا او را به شهادت برساند. یک‌بار توی سوریه و در قلب دمشق، حوالی کنسولگری ایران را بمباران می‌کند. گمان می‌برد حاج رمضان آنجاست و مثل همیشه اشتباه می‌کند. بعد وقیح‌تر به کنسولگری حمله می‌کند و باز حاج رمضان آنجا نیست. رژیم کودک‌کش فقط آبروی خودش را می‌برد و همچنان محل‌های رفت‌وآمدش را با ماژیک‌های رنگی علامت می‌زند و امید دارد که یک روز و یک جا بتواند او را از بین ببرد. حاج رمضان نه فقط یک نظامی، بلکه مغز متفکر زیرساخت‌های مقاومت در منطقه است. تونل‌هایی که در غزه کنده می‌شود، خطوط ارتباطی‌ای که در جنوب لبنان مستقر می‌شود یا سامانه‌هایی که از زیر خاک، آسمان را نشانه می‌روند و... همه ردی از او دارند.

حاج رمضان جلوتر از موشک، جلوتر از آتش و جلوتر از شهادت. مدت‌ها در سوریه فعالیت می‌کند. با مردم منطقه آشناست، راه‌ها را می‌داند، هوای دمشق را نفس می‌کشد اما ردی از خودش باقی نمی‌گذارد. آن‌قدر در خفا کار می‌کند که حتی وقتی هدف است، دشمن هنوز مطمئن نیست که خودش آنجاست یا ردپایش. تنها سه بار در سوریه هدف قرار می‌گیرد. هر بار با اطلاعات دقیق، هر بار با رصد و شناسایی اما باز هم ناکام و اینجاست که ترس دشمن آغاز می‌شود.

ترکش‌های یادگاری

وقتی یک مرد، بارها از تیغ مرگ عبور می‌کند، دشمن دست به فهرست می‌برد. در شهریور ۱۳۹۸، وزارت خزانه‌داری آمریکا، نام حاج رمضان را به عنوان یکی از رهبران گروه‌های «تروریستی» وارد فهرست تحریم‌ها می‌کند. این تنها یک اعلان نیست؛ بیانیه‌ای از ترس است. ترس از کسی که خودش را نشان نمی‌دهد، اما طرح‌هایش، معادلات غرب برای منطقه را به‌هم می‌ریزد. دنبال‌کنندگان سیاست منطقه می‌دانند که تحریم شدن، همیشه به معنای قوی بودن است؛ به‌ویژه وقتی پشت آن، سال‌ها سکوت و کارآمدی نشسته باشد. او متولد سقز کرمانشاه است. مرد جنگ است و زندگی‌اش لایه‌های پیوسته‌ای از مقاومت دارد. جنگ که آغاز شد، نوجوانی‌اش را پشت سر نگذاشته بود اما آن‌قدر زود بزرگ شد که در همان سال‌های اول، نامش در فهرست رزمندگان اطلاعات عملیات ثبت شد. کردستان، جنوب، غرب، خطوطی که گاه شب‌ها با قدم‌های آرام او روشن می‌شدند. جوانی‌اش را برای خاک وطن داد و چند ترکش به یادگار برداشت. در دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیر، مهندسی برق خواند. کار با سیم و مدار را برای ساخت سامانه‌های دفاعی در میدان ترجیح داد. در دهه ۷۰، برای اولین‌بار رد پایش به خارج از مرزها رسید. لبنان، سوریه، سودان، عراق؛ هر جا که سخنی از مقاومت است؛ او همان جاست.

انتقامی که گرفته شد

در نیروی قدس، نام‌ها همیشه محرمانه‌اند، اما بعضی نام‌ها حتی در میان محرم‌ها هم با احتیاط برده می‌شوند. حاج رمضان یکی از آن‌هاست. سال‌ها بعد، وقتی فرماندهی شاخه فلسطین را بر عهده می‌گیرد، تنها حلقه کوچکی می‌دانند که او پشت تونل‌ها، پهپادها و سامانه‌های موشکی گروه‌های مقاومت ایستاده است. پشت آن تونل‌هایی که در دل خاک غزه کنده می‌شوند و موشک‌هایی که شبانه از دل جنوب لبنان عبور می‌کنند. او سامانه‌ها را در سکوت به یکدیگر متصل می‌کند. «محمدسعید ایزدی» مرد جزئیات است. نه فقط در طراحی و برنامه‌ریزی نظامی، بلکه در چیدمان جلسات مخفی، انتخاب مسیرهای انتقال، آموزش نیروهای بومی و حتی نحوه توزیع منابع مالی. حاج رمضان برای محور مقاومت، پدری بود آرام و دقیق. یحیی سنوار او را «حاجیِ مؤمن» صدا می‌زد و عماد مغنیه گفته بود: «او مردی است که دشمن نمی‌تواند حذفش کند». با این همه روزی آمد که تقدیر، دیگر قدمی عقب نرفت. سحرگاه ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ هدف حمله تروریستی دشمن قرار گرفت. سردار توی وصیت‌نامه‌اش نوشته بود «بعد از شهادتم فکر انتقام من نباشید، من در زمان حیاتم انتقامم را از رژیم صهیونیستی گرفتم» و همین‌طور هم بود. او در حمله‌ای بی‌سابقه به شهادت رسید. مردی پس از دهه‌ها مجاهدت این‌بار در سحرگاه ۲۳ خرداد به شهادت رسید.

او رفت؛ بی‌سروصدا، مثل زندگی‌اش. سردار شهید به آرزوی دیرینه‌اش رسید و سرانجام باشکوهی برای سال‌ها مبارزه‌اش با ظلم رقم زد.

تصویری از دیدار سرلشکر پاسدار شهید حاج محمدسعید ایزدی (حاج رمضان) از فرماندهان نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رهبرمعظم انقلاب که سایت رسمی رهبری پس از شهادت حاج رمضان آن را منتشرکرد. در این عکس شهید سرلشکر حسین سلامی نیزکه در نخستین روز از تجاوز رژیم صهیونیستی به شهادت رسید حضور دارد.

استوری گرام

حکایت راننده ساکت

امید مهدی‌نژاد
شاعر و نویسنده

یکی از همین روزها، مردی‌که بالاخره موفق شده بود یک تاکسی اینترنتی بگیرد، پس از آنکه ماشین رسید و روی صندلی عقب نشست، برای به هم زدن جو استرس و اضطراب عمومی ناشی از شرایط جنگی، با مهربانی زایدالوصفی به راننده سلام‌کرد. راننده پاسخ سلام او را داد و مشخصات و مختصات مقصد را با او چک کرد و به راه افتاد. دقایقی بعد، مرد مسافر احساس کرد راننده علاوه بر آنکه تحت‌تأثیر جو استرس و اضطراب عمومی ناشی از شرایط جنگی است، ناراحتی دیگری نیز دارد، چراکه برخلاف قاطبه رانندگان تاکسی، اعم از خطی وگردشی و دربستی و اینترنتی‌که از بدو جلوس مسافر به تحلیل اوضاع سیاسی و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و خارجی و همچنین گزینه‌هایی برای ادامه جنگ و نیز راهکارهایی برای صلح می‌پردازند، در سکوت کامل مشغول رانندگی است. مرد مسافرکه‌کم‌کم حوصله‌اش سر رفته بود، نخست تصمیم‌گرفت خودش سر صحبت را بازکند، اما با خودگفت شاید وی ناراحتی یا مشکل شخصی داردکه فکرش را به خود مشغول کرده است و با خود اندیشیدکه بهتر است رشته افکار او را پاره نکند وکمی دیگر صبرکند تا راننده خودش مباحث تحلیلی را آغازکند، اما هرچه صبرکرد راننده سکوت را نشکست. مرد مسافرکه حالا دیگر نگران سلامتی راننده شده بود، آهسته دستش را بر روی شانه او گذاشت و با لحنی ملایم‌گفت: داداش خوبی؟ ناگهان راننده جیغ بلندی زد و فرمان خودرو از دستش رها شد، اما بلافاصله‌کنترل خودرو را به دست گرفت و خودرو را در چند سانتی‌متری اتوبوسی‌که در ایستگاه توقف کرده بود متوقف کرد. پس از چند ثانیه سکوت، راننده رو به مرد مسافرکرد وگفت: چه‌کار می‌کنی برادر من؟ مرد مسافرکه از این اتفاق بهت‌زده شده بودگفت: ببخشید داداش، فکر نمی‌کردم با یه صداکردن کوچولو این‌قدر بترسی. راننده‌گفت: حاجی من الان صدای پنکه میاد فکر می‌کنم پهپاده. مرد مسافر گفت: شرمنده‌ام. معذرت می‌خوام. راننده‌که قدری آرام‌تر شده بودگفت: البته تقصیر شما نیست. واقعیتش اینه‌که من بیست‌وپنج سال راننده آمبولانس‌های سازمان آرامستان‌های تهران بودم. برای همین عادت ندارم میت روی شانه‌ام بزنند و با من صحبت‌کند وگرنه اتفاقا سرشار از تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی با رویکردهای نوآورانه وکارآمد هستم. مرد مسافر که تازه هم متوجه علت سکوت و هم متوجه علت ترسیدن راننده شده بود، بابت قضاوت زودهنگامش از خودش شرمنده شد و تا پایان سفر همچون جنازه‌ای آرام ومنطقی، تنهایی به راهکارهای تاب‌آوری شرایط جنگی وگزینه‌های برون‌رفت از وضع کنونی اندیشید.

ایران همدل

ققنوس در شیشه‌هایش پیداست

ضحی زردکالو
روزنامه‌نگار

ساختمان شیشه‌ای صداوسیما که یکی از آثار باشکوه معماری معاصر در کشورمان شمرده می‌شود، ۲۶ خرداد مورد تجاوز و حمله رژیم صهیونی قرار گرفت. با این همه بیش از همیشه شد مرکز توجهات و به صورت نمادین مکانی برای برپایی شور و همدلی ملی، مصداقش هم سرود «ای ایران» است که با همراهی گروه ارکستر برای نخستین بار در محل صداوسیما اجرا و به صورت زنده از ویژه برنامه «ققنوس» پخش شد. برنامه‌ای که این ایام هرشب در مقابل ساختمان شیشه‌ای با حضور چهره‌ها و افراد شناخته شده کشورمان پخش می‌شود.

حالا وزیر راه و شهرسازی خبر از طراحی و معماری مجدد این بنا داده و اعلام‌کرده طی یک مسابقه بین‌المللی ساختمان شیشه‌ای احیا خواهد شد. همچنین پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما گفته است بخشی از تخریب‌های صورت‌گرفته در اثر حمله موشکی رژیم صهیونیستی در بازسازی این بنا به عنوان یادمانی از این جنگ حفظ و نگهداری خواهد شد.

حال خوب است بدانیم‌که معمار ساختمان شیشه‌ای چه‌کسی است و قدمت این بنا به چه زمانی باز می‌گردد؟ ساختمان شیشه‌ای صداوسیما، اثر برجسته مرحوم عبدالعزیز فرمانفرمائیان، یکی از نمادهای معماری ایران است‌که در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی طراحی و ساخته شد. این ساختمان با فرم مکعبی و نمای شیشه‌ای گسترده، نمونه‌ای برجسته از معماری مدرن مینیمال در ایران است. همچنین هدف اصلی از نوع طراحی ساختمان شیشه‌ای صداوسیما، «شفافیت» بوده است؛ شفافیتی‌که نه‌تنها در فرم فیزیکی، بلکه در مفهوم رسانه‌ای نیز بروز و ظهور داشته باشد. از جمله آثار شاخص فرمانفرمائیان می‌توان به معماری ورزشگاه آزادی، فرودگاه مهرآباد، مسجد دانشگاه تهران، کاخ نیاوران و موزه فرش تهران اشاره کرد. هنرمندی‌که در خرداد ۱۳۹۲ در پاریس درگذشت و در مدت حیاتش در خارج ازکشور، هیچ وقت دست و دلش به‌کار نرفت و اثری خلق نکرد.

بعد

قبل